

قضیه مصونیت نمایندگان مجلس با پای بسته، نمی توان در مسابقه دو شرکت کرد!

احمد بشیری

از نماینده "مقید" و "محدود" نمی توان انتظار داشت که بتواند با دست بسته،

وظیفه خطیری را که در اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی به عهده اش

گذاشته اند، به انجام برساند

رونوشت: حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کروی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جهت استحضار نمایندگان محترم (۱).

پاسخ رییس قوه قضاییه به نامه رییس جمهوری

جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی، رییس جمهوری اسلامی ایران. با سلام و تحیات.

چندی است که نامه های پیاپی و با امضای رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، همراه با توشیح حضرت تعالی، توسط دفتر شما، در رابطه با پرونده های متهمین یا محکومین، ارسال و سیر طبیعی خود را طی می نمود، ولی دریافت نامه مورخ ۸/۷/۸۰ در رابطه با پرونده های دوتن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سپس پخش وسیع آن در شبکه جهانی اینترنت و رسانه ها، مایه شگفتی گردید. زیرا گذشته از آن که وضعیت فعلی منطقه، وحدت و انسجام ملی و همدلی بیشتر مسؤولان را می طلبد، در ادوار مختلف، چنین پرونده هایی در محاکم قضایی، سیر طبیعی اش را سپری کرده است و این دو پرونده نیز چندی است که در محاکم قضایی مطرح و رسیدگی شده است.

به هر حال، این جانب، با این که هرگونه حرکتی را، که شبهه وجود اختلاف میان مسؤولان را، در اذهان پدید آورد، مقرون به صواب نمی دانم، چند نکته ای را، تنها از باب تبیین موضوع، عرض می نمایم:

۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران، به ۲۰ ماه و دو روز حبس تعزیری محکوم شده که قسمتی از محکومیت نامبرده، مربوط به اظهاراتش در اخطار آیین نامه ای و نطق قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی است.

اگر این نظریه مطرح در محافل حقوقی، که اظهار نظر نماینده مجلس، به عنوان نماینده و در مقام وظیفه نمایندگی مردم، حتی در خارج از مجلس نیز، مشمول اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی است و بدین لحاظ، قابل تعقیب و توقیف نمی باشد، پذیرفته نشود، قدر متیقن، اظهارات نماینده، طبعاً در مقام ایفای نقش نمایندگی در صحن مجلس و جلسات مربوطه، به صراحت اصل ۸۶ قانون اساسی و ماده ۷۵ آیین نامه داخلی مجلس و تبصره آن، قابلیت تعقیب و توقیف ندارد.

این جانب، با کمال احترامی که برای استقلال قوه قضاییه و قضات محترم قایل هستم، و اعتقادی که به تساوی عمومی در برابر قانون و دادگاه، طبق قانون اساسی و مقررات مربوطه دارم، به حکم وظیفه ای که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، بر عهده ام گذاشته شده، و به استناد ماده ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت های ریاست جمهوری ایران، مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، به قوه محترم قضاییه، نسبت به اجرای درست قانون اساسی و عدم نقض اصول آن، تذکرمی دهم و امیدوارم تدبیر جنابعالی، از نقض قانون اساسی در آن قوه جلوگیری نماید.

سید محمد خاتمی
رییس جمهوری ایران

موضوع تذکر قانون اساسی رییس جمهوری کشورمان به قوه قضاییه و هشدار دادن به آن قوه که به قانون اساسی پای بندی بیشتر نشان دهد، اگرچه امروز بحث روز و "سوزده داغ" به شمار نمی آید و رفته رفته به "بوته فراموشی" سپرده شده و راه "تونل زمان" را در پیش گرفته است، ولی از دیدگاه حقوقی و قضایی، هنوز در معنی باز و سلسله سخن دراز است و جای آن دارد که درباره چنین موضوع مهمی، باز هم گفته و نوشته شود.

برای آنکه همیشه خوانندگان این نوشته از چگونگی پی آمدها آگاه باشند و هم برای آنکه به شیوه همیشگی خودمان، "پیشینه تاریخی" موضوع را نگهداری کرده باشیم، بایسته است که نخست، به نامه های مبادله شده بین رییس جمهوری و قوه قضاییه، نگاهی بیفکنیم:

نامه رییس جمهوری به رییس قوه قضاییه

بسمه تعالی - حضرت آیت الله شاهرودی، ریاست محترم قوه قضاییه. با سلام، چندی است دستگاه قضایی، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را، به اعتبار اظهاراتی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی نموده اند، تحت تعقیب قرار داده و برخی از آنان را محاکمه و به مجازات های حبس و جزای نقدی محکوم نموده است. از جمله، طبق دادنامه مورخ ۷۹/۱۲/۲۸ شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران، آقای حسین لقمانیان، نماینده همدان، به مناسبت اظهاراتش در مجلس شورای اسلامی، به ۱۳ ماه حبس و یکصد هزار ریال جزای نقدی بدل از مجازات شلاق محکوم شده است. همچنین، خانم فاطمه حقیقت جو، نماینده تهران، به موجب دادنامه شماره ۲۵۱-۲۵۰ مورخ ۸۰/۵/۱۵ شعبه

۱- قانون اساسی، در بند سوم از اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ نظارت بر حسن اجرای قوانین را، از وظایف ذاتی قوه قضاییه برشمرده و در اصل ۱۱۳ اجرای قانون اساسی را، از وظایف رییس جمهوری دانسته است و تفاوت میان این دو، با اندک تاملی، واضح و روشن می باشد. "نظارت بر حسن اجرا"، مربوط به موارد تخلف دستگاه ها، از اجرای صحیح قانون و نقض آن است و اجرای قانون اساسی، اجرا و احیا و معطل نماندن و شکل گیری اجرایی قوانین را می رساند.

براین اساس، مفاد اصل ۱۱۳ که مورد استناد، و فلسفه وجودی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی قرار گرفته، به معنای پیگیری، اجرا و احیای اصول قانون اساسی است و رییس قوه مجریه، موظف است وظایف مربوط به آن را، مستقیماً اجرا کند و در رابطه با دیگر قوا و نهادها، مانند رهبری نظام، مجلس، قوه قضاییه، شورای نگهبان، و نظایر آنها، باید شرایط و مقدمات لازم را، جهت اجرا و احیای آن قوانین، که در اختیار او می باشد، مهیا کرده و در صورت عدم اجرا، تذکر دهد و این، منافی با بند ۳ اصل ۱۵۶ نمی باشد. زیرا، مفاد این بند، نظارت بر حسن اجرا و رسیدگی به تخلفات از قوانین و معنای اصل ۱۱۳ پیگیری و تذکر در باره لزوم اجرای قانون اساسی است.

۲- علاوه بر آن که در متن اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه، مستقل از دیگر قوا دانسته شده است و برای رسیدگی به اعتراضات و پیگیری از تضییع حقوق مردم، نهادهای نظارتی مشخص (مانند محاکم تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، محکمه انتظامی قضات و نظایر آن)، در قانون اساسی و قوانین عادی، برای قضات و محاکم پیش بینی شده است و ایجاد و فعالیت هرگونه نهاد نظارتی

دیگر، به ویژه اگر در درون قوه دیگر شکل بگیرد، با برخی از اصول قانون اساسی، "مخصوصاً" اصول ۱۵۶ و ۱۶۱ مغایرت دارد.

۳- ماده ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۵ در مورد حق رییس جمهور برای دادن اخطار و تذکر به قوای سه گانه، با توجه به اصلاح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف عبارت "تنظیم روابط قوای سه گانه"، از میان مسؤولیت های رییس جمهور و حذف نخست وزیر از تشکیلات دولت، قابل استناد برای اطلاق نظارت نیست. بدیهی است، هرگونه نظر تفسیری شورای نگهبان، در مورد اصل ۱۱۳ اصلاحی برای همه قوای کشور، لازم الاتباع خواهد بود.

۴- در رابطه با موضوع مصونیت نمایندگان مجلس، هر چند که این موضوع، طی جلسات مختلفی، در هیأت مشترک مجلس و قوه قضاییه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و منظور نظر حضرتعالی هم، مصونیت مطلقه نیست، قصد ورود به ماهیت این بحث را ندارم، لیکن مناسب است بر این نکته تأکید ورزم که چون قاضی، بر اساس اصول قانون اساسی و قوانین عادی و مبانی مسلم فقهی و حقوقی، در برداشت از قانون و اعلام نظر و انشای حکم، کاملاً مستقل است و هیچ کس، حتی رییس قوه قضاییه، حق تحمیل برداشت خود را از قانون، به قاضی ندارد و تنها دادگاه صالح برتر است که از حق نقض حکم قاضی بر اساس موازین قانونی برخوردار می باشد، در خواست از رییس قوه قضاییه، برای الزام قضات به در پیش گرفتن رویه و برداشتی خاص، با اصول مسلم حقوقی و اصول قانون اساسی، مغایر است مگر آنکه شورای نگهبان، با تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی، همه

قضات را، به برداشت خاصی از قانون، ملزم نماید.

در پایان، امیدوارم با تدبیر و درایت جنابعالی، که همواره مورد ارادت این جانب بوده و هستید، و خود، بارها، از ایجاد بحران و تنش در جامعه، شکوه نموده اید، این گونه مباحث و مسایل که نیازمند بررسی های دقیق علمی و حقوقی می باشد، قبل از آن که در عرصه رسانه ها کشیده شده و ایجاد دغدغه و شبهه برای مردم نماید، در محافل کارشناسی، بررسی گردیده و در جلسات سران قوا، راهکارهای روشن، برای حل و فصل آنها، اندیشیده شود. بدیهی است، این تدبیر، مخصوصاً در شرایط حساس کنونی حاکم بر منطقه، ضروری می نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی
رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران (۲)

پاسخ رییس جمهوری به رییس قوه قضاییه

به نام خدا- حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی
رییس محترم قوه قضاییه دامت افاضاته
باسلام- در رابطه با موضوع تذکر قانون اساسی، از سوی رییس جمهوری، لازم می دانم نکاتی را متذکر گردم:

۱- قانون اساسی مبنای نظم استوار در جامعه و میثاق وحدت و چارچوب پیشرفت و امنیت کشور است و هر کدام از ما، سمت، مسؤولیت و حق خود را، مرهون قانون اساسی هستیم که اهتمام به آن، اهتمام به امنیت و اعتلای کشور و حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۲- به نص قانون اساسی، رییس جمهوری، بعد از مقام معظم رهبری، عالی ترین مقام

رسمی کشور است و از جمله، بر پاسداری از قانون اساسی، سوگند یاد کرده است.

۳- آنچه به نص قانون اساسی ثابت است، ابهامی در آن و تردیدی نسبت به آن وجود ندارد تا نیاز به تفسیر یا همه پرسی داشته باشد.

۴- قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت های رییس جمهوری، لازم الاجرا و مبنای کار رییس جمهور است و امیدوارم پاره بی کاستی های آن نیز در آینده مرتفع گردد. از همه مسؤولان عالی رتبه نظام و همگان، صمیمانه انتظار دارم که مرا به عنوان رییس جمهور، در انجام همه مسؤولیت های سنگینی که دارم، یاری کنند.

سیدمحمد خاتمی

رییس جمهوری اسلامی ایران (۳)

از بررسی مطالب سه نامه یاد شده بر می آید که انگیزه اصلی رییس جمهوری برای دادن تذکر به قوه قضاییه، و توصیه به اجرای درست قانون اساسی و عدم نقض اصول آن، اقدامات اخیر قوه قضاییه و به طور مشخص، قضات دادگاه های عمومی، درباره پیگرد کیفری و محکومیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی به حبس، جریمه و... بوده است و "جان کلام" این است که نمایندگان مجلس، "مصونیت" قانونی دارند و دادگاه ها، حق ندارند که آنان را، برای سخنانی که در صحن مجلس یا بیرون از آنجا، در جهت انجام وظایف نمایندگی بر زبان می رانند، گناهکار بشناسند و زیر پیگرد درآیند و محکومشان کنند.

با نگرش به این کوتاه سخن، بحث ما، باید پیرامون دو پایه اساسی و در دو بخش زیرین، دنبال شود:

بخش نخست- آیا نماینده مجلس، مصونیت قانونی دارد؟

بخش دوم- آیا رییس جمهوری، حق داشته است به قوه قضاییه تذکر قانون اساسی بدهد؟

اینک به بررسی هر یک از دو بخش بالا می پردازیم:

۱- درباره مصونیت قانونی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

کمابیش، در همه قوانین اساسی دنیای متمدن، که دارای "پارلمان" یا "مجلس شورا" هستند، برای نمایندگان مردم در مجلس، حقوق و مزایای ویژه بی پیش بینی شده است که "مصونیت قانونی" در شمار برترین آنهاست.

پیش بینی اینگونه امتیازات برای نمایندگان مجلس شورا، همیشه و همه جا، کاری بایسته و شایسته و خردمندانه است زیرا که نمایندگان مردم هر کشور، باید دارای یک "حریم امنیت" باشند تا بتوانند به دور از دغدغه خاطر و هراس از تعقیب و کیفر و پرونده سازی و پاپوش دوزی، درباره آنچه می اندیشند، یا می شنوند یا می خوانند، آزادانه و بی پروا سخن بگویند، از حقوق "موکل" های خودشان دفاع و برای دشواری ها و گرفتاری های آنان، راه یابی و چاره گیری کنند.

در کشور ایران نیز، از همان هنگام که مردمش، با "انقلاب مشروطه"، دارای "حکومت پارلمانی" و "قانون اساسی" گردیدند، نوعی "مصونیت قانونی" و "اختیارات ویژه" را، برای نمایندگان خودشان در مجلس شورای ملی، پذیرفتند. این مصونیت قانونی، در اصل دوازدهم قانون اساسی مشروطه، چنین آمده بود:

اصل دوازدهم- "به هیچ عنوان و به هیچ دست آویز، کسی، بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی، حق ندارد متعرض اعضای آن بشود.

اگر احیاناً یکی از اعضا، علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، باز باید اجرای سیاست درباره او، با استحضار مجلس باشد."

این مصونیت "سفت و سخت" طبعاً، برای متحقق گردانیدن اصول ۳۰ و ۳۲ "متمم قانون اساسی"، ضروری بود که می گفت:

اصل سی ام- وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا، از طرف تمام ملت وکالت دارند، نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده اند.

اصل سی و سوم- هر یک از مجلسین، حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

بازتاب دو اصل یاد شده، به صورتی مفصل و کاملاً شفاف و روشنگر، در آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی، منعکس شده و "فصل دوازدهم" آن، با عنوان "موجبات تعقیب نمایندگان" به شرح جزییات اصول مذکور پرداخته بود:

ماده ۱۶۶- نمایندگان مجلس شورای ملی، طبق اصل ۱۲ قانون اساسی، مصون از هرگونه تعرض و تعقیب می باشند، مگر در موارد و شرایط مذکور در مواد زیر:

ماده ۱۶۷- هرگاه نماینده بی به ارتکاب جنحه یا جنایتی متهم شود، اعم از اینکه تاریخ عمل منشاء اتهام، زمان نمایندگی یا قبل از آن باشد، وزیر دادگستری باید گزارشی مشتمل بر موضوع اتهام و دلایل و مدارک قانونی آن، به مجلس شورای ملی تقدیم نماید. گزارش مزبور، در اولین جلسه علنی مجلس قرائت و بدون مباحثه به کمیسیون قوانین دادگستری ارجاع خواهد شد.

ماده ۱۶۸- اگر نماینده ای، در حین ارتکاب جنایت، در خارج از محوطه مجلس دستگیر بشود، نظر به اصل ۱۲ قانون اساسی، متهم باید فوراً به مجلس شورای ملی اعزام گردد و در این مورد، گزارش جریان در اولین جلسه علنی مجلس، قرائت و بدون مباحثه، به کمیسیون قوانین دادگستری، رجوع می شود.

این حکم، نسبت به نماینده ای که در محوطه مجلس شورای ملی، در حین ارتکاب جنایت، به امر رییس مجلس دستگیر شود، نیز جاری است.

ماده ۱۶۹- در موارد جنایات مذکور در مواد ۱۶۷ و ۱۶۸ توقیف موقت متهم، به حکم رییس مجلس، به عمل خواهد آمد و ادامه توقیف یا استخلاص متهم، منوط به رأی کمیسیون قوانین دادگستری است.

تصیر- در تمام موارد مذکور در فوق، اگر نماینده ای که متهم است، بخواهد در جلسه علنی مجلس شورای ملی، توضیحاتی بیان نماید، اجازه داده خواهد شد ولی پس از دادن توضیح، به حکم رییس، از مجلس خارج شده و به محل توقیف (که در داخل مجلس است) خواهد رفت و در صورتی که اطاعت ننماید، یا اینکه در مجلس، غوغایی بشود، رییس، جلسه را، ختم می نماید.

ماده ۱۷۰- در هر یک از موارد فوق، کمیسیون دادگستری، پس از وصول گزارش و پرونده امر، مکلف است همه قسم تحقیقات، از قبیل مراجعه به اسناد و مدارک و خواستن توضیحات از شخص متهم و تحقیقات از اشخاص دیگری که لازم بداند، به عمل آورد و در اسرع اوقات، گزارش خود را، تقدیم مجلس شورای ملی نماید.

این گزارش، خواه دایر به برایت متهم و خواه مبنی بر مجرمیت او باشد، در جلسه علنی مجلس شورای ملی، طرح می شود.

در این باب، پس از ادای توضیحات شخص متهم، که از نیم ساعت نباید تجاوز کند، فقط یک مخالف و یک موافق، هر کدام نیم ساعت می توانند اظهار نظر کنند.

در صورتی که رای مجلس، بر براءت متهم باشد، رئیس مجلس، برایت او را اعلام می نماید و هرگاه مبنی بر تعقیب باشد، مصونیت از وی سلب و پرونده، از طریق وزارت دادگستری، به محکمه صلاحیتدار، ارجاع می شود.

ماده ۱۷۱- اگر موضوع اتهام، ارتکاب جرم علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور یا اساس سلطنت مشروطه باشد، طرح اعلام جرم و رسیدگی به گزارش کمیسیون دادگستری، در جلسه سری مجلس شورای ملی، به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۷۲- محاکم و مراجع صالحه، مکلفند، در اسرع اوقات و خارج از نوبت، به موضوع اتهام رسیدگی کنند و رای بدهند.

ماده ۱۷۳- پس از قطعیت رای، وزیر دادگستری، مکلف است در اولین جلسه، آن را به اطلاع مجلس شورای ملی برساند.

هرگاه [رأی ۵] مبنی بر تبریه باشد، مصونیت قانونی نماینده، اعاده می شود و در صورتی که محکومیت وکیل، از نوع محکومیت هایی باشد که به موجب قانون انتخابات، مانع حق انتخاب شدن است، از مقام نمایندگی، معزول می گردد و نسبت به انتخاب نماینده دیگر بر طبق قانون انتخابات اقدام می شود.

ماده ۱۷۴- هیچ یک از نمایندگان، برای اظهاراتی که در جلسات مجلس شورای ملی، یا کمیسیون ها، می نمایند، یا رای که می دهند، قابل تعقیب نخواهند بود.

ماده ۱۷۵- موارد مندرج در دو ماده ۱۶۷ و ۱۶۸ ناظر به دعوی حقوقی بر نمایندگان نیست و امور حقوقی، مستقیماً و طبق مقررات عمومی، مربوط به مراجع صالحه قضایی است، جز بازداشت نماینده در قبال وجه محکوم به، که به اجازه مجلس شورای ملی خواهد بود.

ماده ۱۷۶- هرگاه نسبت به نماینده ای که سابقاً وزیر بوده، اعلام جرمی مربوط به زمان وزارتش بشود، اوراق و مدارک مربوط، طبق

قانون محاکمه وزراء، از طرف مجلس، به کمیسیون های عرایض و دادگستری، ارجاع خواهد شد و در صورتی که کمیسیون دادگستری، آن نماینده را، از نظر ارتکاب جرم زمان وزارت، قابل تعقیب بداند، گزارش کمیسیون، در مجلس مطرح می شود و اگر مجلس، موضوع را قابل تعقیب دانست، از نماینده سلب مصونیت نموده و پرونده را، به دیوان کشور ارجاع می نماید و چنانچه گزارش کمیسیون دادگستری، دایر بر عدم تعقیب باشد، در اولین جلسه علنی مجلس شورای ملی، قرائت و مطرح می شود.

اگر گزارش مزبور تصویب گردید، متهم تبریه می شود.

اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به موضوع مصونیت قانونی نمایندگان مجلس شورای اسلامی چنان پرداخته شده است که نقیلاً یا اثباتاً قابل تأویل و تفسیر است و نمی توان از هیچ طرف، به نتیجه ای خرسندکننده و گمان شکن رسید و همین امر است که مناقشه و بحث کشداری را پدید آورده است که آیا نمایندگان مجلس دارای مصونیت



قانونی هستند یا نه؟

این نکته، در قانون اساسی فعلی ایران روشن است که نمایندگان مجلس، "مصونیت کامل" ندارند ولی آنچه هم که به منظور ایجاد "حاشیه امن" برای آنان پیش بینی شده است، روشن و صریح نیست و حد و مرزی دقیق و قاطع ندارد.

اصول هشتاد و چهارم و هشتاد و ششم قانون اساسی به همین امر اختصاص دارد به این شرح:

اصل هشتاد و چهارم- هر نماینده، در برابر تمام ملت مسؤول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور، اظهار نظر نماید.

اصل هشتاد و ششم- نمایندگان مجلس، در مقام ایفای وظایف نمایندگی، در اظهار نظر و رای خود، کاملاً آزادند و نمی توان آنها را، به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند، یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند، تعقیب یا توقیف کرد.

مفاد دو اصل بالا، در "آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی"، در مبحث دوم، زیر عنوان "مصونیت نمایندگان" تبیین گردیده است، به این شرح:

ماده ۷۵- بر طبق اصل هشتاد و ششم (۸۶) قانون اساسی، نمایندگان مجلس، در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را، به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند، یا آرای که در مقام ایفای وظایف خود داده اند، تعقیب یا توقیف کرد و یا از حقوق اجتماعی محروم نمود.

تبصره- وظایف نمایندگی، شامل نطق قبل از دستور، بحث های داخل دستور، بحث های جلسات کمیسیون ها، اظهار نظراتی که برای اعمال اصل هشتاد و چهارم (۸۶) قانون اساسی انجام می شود و سایر موارد نظارتی و قانونی است.

ماده ۷۶- چنانچه به تشخیص هیأت ریسه، نماینده ای، در سخنان خود در جلسه علنی، به کسی نسبت نارواداده و یا هتک حرمت نماید، فرد مزبور می تواند در دفاع از خود، به صورت مکتوب، به اتهام وارده پاسخ گوید.

پاسخ ار سالی، در صورتی که بیش از دو برابر اصل مطلب اظهار شده نبوده و متضمن توهین و افترا نباشد، در اولین فرصت، در جلسه علنی قرائت خواهد شد.

در یک نگاه، از بررسی مفاد اصول ۸۴ و ۸۶ قانون

اساسی و مواد ۷۵ و ۷۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، چنین بر می آید که نمایندگان مجلس، برای پیامدهای سخنانی که چه در صحن مجلس و چه بیرون از مجلس، بر زبان می رانند، مصونیت قانونی دارند و کسی نمی تواند آنان را، به خاطر آنچه گفته اند، تهدید یا تعقیب قانونی کند و حق هم، همین است و اگر جز این باشد، استقلال رأی و آزادی بیان نماینده، اگر کاملاً از بین نرود، به صورت آشکارا و وسیعی، محدود و بی رنگ می شود که این حالت، با مفاد اصول قانون اساسی که به آنها اشاره شد، کاملاً متضاد است.

اما در جهت مقابل، آنها که با مصونیت نمایندگان مجلس موافق نیستند و یا دست کم، این مصونیت

این نکته در قانون اساسی

فعلی ایران روشن است که

نمایندگان مجلس

"مصونیت کامل" ندارند ولی

آنچه هم که به منظور ایجاد

"حاشیه امن" برای آنان

پیش بینی شده است، روشن

و صریح نیست

قانون اساسی می کنند، می گویند اگر برابر این دو اصل، همه مردم در برابر قانون یکسانند، پس نماینده مجلس هم که به جای خود، یک شهروند ساده کشور است، باید مشمول این تساوی قانونی باشد و فرض مصونیت برای او، مخالف قانون اساسی است.

در این جا، چند نکته در خور توجه است:
۱- در حقیقت، بین مفاد دو اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی با اصول ۸۴ و ۸۶ آن قانون، هیچ تضاد و مابینتی نیست به این توضیح که تساوی همه مردم در برابر قانون و حمایت یکسان قانون از آنها، یک امر مسلم و ثابت قانونی است که جای خدشه و تعرضی ندارد.

اما اگر در اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی، برای نمایندگان مجلس، به مناسبت و به خاطر کار و وظیفه ای که دارند، یک حریم امنیت پیش بینی شده است، اجرای این دو اصل درباره نمایندگان، به حقوق دیگران آسیبی نمی رساند.

توجه کنیم که اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی درباره حمایت و پاسداری از حقوق ثابت و تغییرناپذیر همه شهروندان است که نمایندگان مجلس نیز، در این باره با مردم دیگر همسانند و امتیازی بر دیگران ندارند و اگر صفت نمایندگی مجلس، از هر نماینده ای گرفته شود، میان او و بقیه مردم، هیچ برتری و امتیازی نیست. اما مصونیت قانونی نمایندگان مجلس، در حقیقت یک "استثنا بر اصل" است که کاملاً موقتی و متصل به صفت نمایندگی آنان است و بازوال صفت نمایندگی، امتیاز استثنایی مصونیت قانونی نیز، زایل و بی اثر می گردد.

امتیازاتی مانند مصونیت قانونی نمایندگان در دوران نمایندگی مجلس، امری بدیع و تازه نیست و در سایر مشاغل هم، نظایری پیدا می کند و بسیار اتفاق می افتد که فردی، برای انجام مأموریت خاصی، در نظر گرفته می شود و برای آنکه در کار خودش توفیق قابل قبولی پیدا کند، به او امتیازات و اختیاراتی هم داده می شود. اما این مزایا، برای آن شخص همیشگی نیست و پس از انجام مأموریت، خود به خود، از او گرفته می شود. در این صورت نمی توان گفت که چنین شخصی، از شمار مصادیق قانونی ویژه ای، خارج و به اصطلاح "تافته جدا بافته" شده است تا وضعیت جدیدش، قابل مجادله و مشاجره باشد.

۲- اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی، با اختلاف بیش از ۶۰ اصل، پس از اصول نوزدهم و بیستم

را، از جهاتی محدود و مقید می دانند، به اصول دیگری از قانون اساسی استناد می کنند که مربوط به تساوی همگانی در برابر قوانین است.

این گروه، از جمله، اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی را پیش می کشند که می گوید:

اصل نوزدهم- مردم ایران، از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها، سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم- همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان، در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بار عایت موازین اسلام، برخوردارند.

معترضین به مصونیت نمایندگان مجلس، با برداشت ویژه ای که از مفاد اصول نوزدهم و بیستم

قانون اساسی، وضع و تصویب شده است و قطعاً نویسندگان و تصویب کنندگان قانون اساسی، به هنگام نوشتن دو اصل ۸۴ و ۸۶ کاملاً از مفاد اصول نوزدهم و بیستم آگهی و به برخورد مفادی این چهار اصل با یکدیگر نیز توجه و اشراف داشته و می دانسته اند که اگر به نماینده مجلس مصونیت داده شود، او، در زمانی که مصونیت قانونی دارد، نسبت به مردم عادی کشور، امتیاز بیشتری خواهد داشت و با این حال، مصونیت نمایندگان مجلس را پذیرفته و تصویب کرده اند.

از نظر اصولی، گفته می شود "قانون خاص، ناسخ قانون عام است" یعنی به زبان ساده، هنگامی که قاعده جدیدی پس از قاعده ای قدیمی وضع شود، قاعده جدید، قاعده قدیمی را، نسبت به آنچه که با آن مخالفت دارد، "نسخ" یا محدود می کند. در این صورت، گفته می شود قاعده جدید، در آنچه به خودش مربوط می شود، "ناسخ" قاعده قدیمی است.

بهترین شاهد مثال، همین اعطای صفت مصونیت قانونی، به نمایندگان مجلس است که چون اصول ۸۴ و ۸۶ پس از اصول نوزدهم و بیستم به

قانون اساسی وارد شده است، از این رو، مواد ۸۴ و ۸۶ در مورد دادن مصونیت قانونی به نمایندگان، ناسخ عمومیت اصول نوزدهم و بیستم و استثناء بر آن دو اصل است بی آنکه همه آن اصول را نسخ کند یا از اعتبار بپندارد یا اینکه این چهار اصل، در کلیات مفاد، با یکدیگر تعارض و تباین داشته باشد.

۳- با دقت در مفاد اصل هشتماد و ششم قانون اساسی، نکته بسیار مهمی جلب توجه می کند و آن دو کلمه "کاملاً" و "آزاد" است که برای اظهار نظرهای نمایندگان به کار رفته است.

وقتی قانون اساسی می گوید: "نمایندگان مجلس، در مقام ایفای وظایف نمایندگی، در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند..." این جمله، از نظر معنی و مفهوم، یک جمله کامل است و به هیچ روی تفسیر بردار و قابل خدشه و مناقشه نیست، یا دست کم، با دلایل پیش پا افتاده ای که گهگاه، از این و آن شنیده می شود، قابلیت تخدیش و یا تأویل ندارد.

کلمه "کاملاً" به تنهایی، پاسخگوی تمام ایراد و اشکال هایی است که احیاناً از طرف مخالفان مصونیت نمایندگان مجلس، ابراز شود و وقتی

قانون اساسی، لفظ کاملاً را به کار می برد، کسی نمی تواند در معنی آن دستکاری کند و آن را به صورت "ناقصاً" در بیاورد و قایل به تشکیک و تأویل بشود و بگوید: "این لفظ کاملاً، کاملاً هم، معنی کاملاً نمی دهد!" زیرا، دامنه معنی واژه "کاملاً" چندان گسترده است که، هیچ مفهوم متضادی را، بر نمی تابد و نمی توان در برابر آن، مفهوم مخالفی قرار داد.

بخش پایانی اصل هشتماد و ششم قانون اساسی، از نظر اهمیت و وسعت دایره شمول، از بخش آغازین آن، نه تنها کمتر نیست بلکه می شود گفت، اگر بار معنوی بیشتری نداشته باشد، به هیچ روی وزن کمتری ندارد.

برابر اصل هشتماد و ششم: نمایندگان مجلس را، در مقام ایفای وظایف نمایندگی... نمی توان به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند... تعقیب یا توقیف کرد."

اگر اصل هشتماد و ششم قانون اساسی، به جای آنکه صورت "کامل و شامل" و به دیگر سخن "جامعیت" کنونی را داشته باشد، فقط در بردارنده هر کدام از دو بخش تقطیع شده بالا می بود، باز هم برای



نمی توان گفت که در آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، هیچ کلمه، جمله یا عبارتی، در جای خودش و در معنای خودش قرار نگرفته است.

در بحث مصونیت قانونی نمایندگان مجلس، برخی، این دستاویز را، پیش کشیده اند که اگر فرض شود نماینده مجلس، دارای مصونیت قانونی است، این مصونیت، در مورد سخنانی که نماینده، در صحن مجلس می گوید، معتبر است ولی در خارج از مجلس، فرقی بین او و دیگر مردم کشور نیست و حکم اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی، درباره نماینده نیز، به همان اندازه جاری است که درباره سایر مردم کشور.

پاسخ این است که مصونیت قانونی، برای نماینده مجلس، یک صفت پیوسته به او است و نماینده مجلس، تازمانی که در سمت نمایندگی باقی است، صفت مصونیت نیز با او است و در این باره، فرقی نیست که نماینده در داخل مجلس سخن بگوید یا در خارج از آنجا، هم چنانکه فرقی ندارد که نماینده، خارج از مجلس، در حوزه نمایندگی خودش سخن بگوید یا در حوزه های دیگر، زیرا که به تجویز اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی، هنگامی که "نماینده در برابر تمام ملت مسؤول است..."، پس همه جای کشور نیز حوزه نمایندگی او است چون "تمام ملت"، در "تمام کشور" زندگی می کنند و نه در جای معین و محدوده خاصی.

بنابراین، استدلال آن دسته که معتقدند اگر نماینده ای در خارج از صحن مجلس یا دست بالا، دورتر از حوزه نمایندگی خودش، سخنی بگوید که برای برخی، ناخوشایند باشد، و کسی از این بابت شکایت کند، این نماینده قابل تعقیب قانونی خواهد بود، یا به مفاد اصول هشتاد و چهارم و هشتاد و ششم قانون اساسی توجه دقیق مبذول نکرده اند و یا با درک و برداشت صحیح از آن اصول، و تعمداً و روی اغراض خاصی، نمی خواهند به آن اصول، توجه و اعتناء کنند و به همین علت، مصونیت قانونی نمایندگان مجلس را، به حسب موارد و شرایط و اغراض خاصی، قابل "تجزیه" و "تفکیک" می دانند!

پی نوشت ها:

- ۱) روزنامه نوروز شماره ۱۹/۷/۱۳۸۰-۱۵۵
- ۲) روزنامه نوروز شماره ۲۴/۷/۱۳۸۰-۱۵۸
- ۳) روزنامه نوروز شماره ۲۲/۸/۱۳۸۰-۱۶۵
- ۴) منظور از مجلسین، "مجلس شورای ملی" و "مجلس سنا" بود.
- ۵) این کلمه، به قرینه، الحاقی نگارنده است.

اسلامی، که خود، قانون معتبر و مهمی است، با توجه به جمیع جهات، در مبحث مربوط به حقوق و تعهدات نمایندگان، به درستی، مواد ۷۵ و ۷۶ آیین نامه را، زیر عنوان "مصونیت نمایندگان" برده است و این مطلب، به خوبی، می رساند که مجلس شورای اسلامی، به هنگام تصویب آیین نامه داخلی مجلس، دقیقاً به مصونیت قانونی نمایندگان نظر داشته و در صدد تمایز و تبلور و واقعیت دادن به لفظ و معنی "مصونیت" بوده و این مصونیت را نیز، برای نمایندگان، یک "حق" به شمار آورده است نه چیزی دیگر.

قطعاً درباره مفاد مواد ۷۵ و ۷۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و دقت نظر نمایندگان تصویب کننده آیین نامه، هیچ شک و تردیدی مجاز

وقتی قانون اساسی می گوید نمایندگان مجلس، در مقام ایفای وظایف نمایندگی، در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند.... این جمله از نظر معنی و مفهوم کامل است و به هیچ روی تفسیر بردار نیست

و مسموع نیست و نمی توان آنها را به بی دقتی یا سهل انگاری متهم کرد، زیرا که آیین نامه داخلی مجلس، در جلسه علنی مورخ ۱۸/۷/۱۳۷۸ به تصویب رسیده است یعنی درست ۲۱ سال پس از استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران و گذشتن پنج دوره از عمر مجلس شورای اسلامی کاملاً روشن است که آیین نامه ای که برای تنظیم و تدوین آن، زمانی چنین دور و دراز، صرف وقت و موشکافی شده باشد، مصوبه ای شتابکارانه و "سرسری" نخواهد بود. به ویژه آنکه توجه کنیم، این آیین نامه، در دوره ای از مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است که نمایندگان آن دوره، در "خرده گیری" و "مته به خشخاش گذاشتن" به هنگام تصویب قوانین، از سرآمدان همگان و پیشینیان خود بودند و یقیناً تمام دیدگاه های سیاسی خاص خودشان را نیز، در تصویب آیین نامه ملحوظ داشته اند و با این حساب،

استخراج معنی "مصونیت قانونی" نمایندگان مجلس، بسنده می بود. به این توضیح که از نظر بلاغت ادبی، چندان فرقی ندارد که گفته شود نمایندگان مجلس، برای انجام وظایف نمایندگی خودشان "کاملاً آزاد" هستند یا اینکه آنها را "نمی توان... تعقیب یا توقیف کرد" زیرا هر دو طرف این معادله ادبی، به یک پاسخ می رسد و آن، رسیدن به این معنی و مفهوم است که نماینده مجلس کاملاً آزادی بیان دارد و در طول مدت نمایندگی، از هرگونه تعقیب و توقیف مصون است. از دیدگاه منطقی نیز، رسیدن به نتیجه یادشده، ناگزیر و اجتناب ناپذیر است، زیرا، هنگامی که اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی، با صراحت کامل می گوید: "هر نماینده، در برابر تمام ملت مسؤول است و حق دارد در همه مسایل داخلی و خارجی کشور، اظهار نظر نماید"، بی درنگ، پرسشی اساسی در ذهن انسان خطور می کند که نماینده مجلس از چه راهی و با کدام ابزار قانونی، می تواند "مسؤولیت" در برابر تمام ملت را، به عمل برساند و چگونه می تواند به "حق" قانونی خودش برای "اظهار نظر در همه مسایل داخلی و خارجی کشور" دست یابد؟

ساده ترین پاسخی که در برابر این پرسش، به نظر می رسد این است که نماینده باید "آزاد" و "بی هراس" باشد تا بتواند به مفاد اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی جامه عمل بپوشاند و ابدأ از نماینده "مقید" و "محدود" نمی توان انتظار داشت که "با دست بسته" بتواند وظیفه خطیر و دشواری را که اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی بر عهده اش گذاشته است، به انجام برساند، درست به مانند کسی که پایش در زنجیر باشد و از او بخواهند در "مسابقه" دو "مشارکت" کند!

در حقیقت، می توان گفت، به خاطر برآورده ساختن منظور اصل هشتاد و چهارم بوده است که اصل هشتاد و ششم قانون اساسی به تصویب رسیده است و می توان نتیجه گرفت که تصویب کنندگان اصل هشتاد و ششم قانون اساسی، دقیقاً می دانستند که از تصویب آن اصل، مقصودی بسیار مهم و کارساز را پی گیری می کنند و آن، آزاد گذاشتن دست نماینده و "مبسوط الید" گرداندن او، برای به ثمر رسانیدن اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی است و این که، کسی مجال آن را نیابد که در راه انجام وظایف نمایندگی، بر سر راه نماینده مجلس، "سنگ اندازی" کند!

باری، دقیقاً در جهت اثبات همین معنی است که مواد ۷۵ و ۷۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای